



آیت اللہ العظمیٰ حاج سید عبدالحسین

شرف الدین عاملی (۵)

مجاهد نستوه و دلیر، مصلح کبیر، مجتهد بصیر، آیت الله سید عبدالحسین شرف الدین، محدثی متبحر، پیشوائی بزرگ، خطیبی زبردست، نویسنده ای توانا، مورّخی شهیر، مفسّری بزرگ و متکلمی بی همتا، فقیهی ژرف اندیش و آگاه به زمان بود.

نسب او

سید عبدالحسین، فرزند سید یوسف، فرزند سید جواد، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید محمّد، فرزند سید محمّد، فرزند سید ابراهیم شرف الدین موسوی عاملی است. سید محمّد بن شرف الدین جدّ آل سید صدرالدین و آل سید شرف الدین عاملی است. مادرش بانوی بزرگوار، زهرا صدر دختر آیت الله مرحوم سید هادی صدر فرزند سید محمّد علی و خواهر مرجع تقلید نامی، سید حسن صدر بوده است. نسب پاک و درخشان او با ۳۱ واسطه به ابراهیم المرتضی بن حضرت موسی بن جعفر (ع) می پیوندد.

ولادت و تحصیل

در سال ۱۲۹۰ ه. ق در شهر مذهبی کاظمین متولّد شد و ۸ ساله بود که به همراه پدر به جبل عامل واقع در جنوب کشور لبنان رفت. سید عبدالحسین در آنجا علوم مقدماتی را در خدمت والد دانشمند خود سید یوسف شرف الدین (م ۱۳۰۰) و سطوح را نزد شیخ باقر حیدر (م ۱۳۳۲) و سید محمّد صادق اصفهانی و شیخ علی بن شیخ باقر بن صاحب الجواهر (م ۱۳۴۱) آموخت.

هفده ساله بود که با ازدواج با دختر عموی خود معیل گردید و برای تکمیل تحصیلات خود روانه عراق — که حوزه علمیّه مهم آن زمان بود و طالبان علوم اسلامی از تمام

.....

۱- ر. ک: بغیة الراغبین فی آل شرف الدین که انشاء الله بزودی از چاپ خارج می شود.

کشورهای شیعه‌نشین بدانجا روی می‌آوردند — رفت و پس از طی تحصیلات سطوح عالی به حوزه درسی فقهای بزرگ و مراجع عالیقدر در شهرهای مختلف به طلب علم نشست از آن جمله‌اند:

م ۱۳۲۲ هـ. ق.	شیخ حسن کربلائی
م ۱۳۲۲ هـ. ق.	شیخ محمد طه نجف
م ۱۳۲۹ هـ. ق.	آخوند ملا محمد کاظم خراسانی
م ۱۳۳۷ هـ. ق.	سید محمد کاظم یزدی
م ۱۳۳۸ هـ. ق.	سید اسماعیل صدر
م ۱۳۳۹ هـ. ق.	شیخ فتح الله شریعت اصفهانی
م ۱۳۵۴ هـ. ق.	سید حسن صدر

آری بقول سنائی غزنوی:

سالها باید که تا یک سنگ اصلی ز آفتاب
 ماهها باید که تا یک پنبه دانه ز آب و خاک
 عمرها باید که تا یک کودکی از روی طبع
 عالمی گردد نکویا شاعری شیرین سخن
 خلاصه: ۳۲ ساله بود که به مقام عالی اجتهاد نائل آمد و با دریافت چندین اجازه اجتهاد روانه جبل عامل گشت و با استقبال پرشور علماء و بزرگان آن سامان مواجه شد وی به اتفاق پدر و برادر دانشمندش حوزه علمیه ای تشکیل داد ولی چیزی نگذشت که پدر و اندکی بعد برادر خود را از دست داد.

مدت زیادی نگذشت که مردم جبل عامل رهبر واقعی و راهنمای حقیقی خویش را شناختند و با معظم له در اقدامات اصلاحی اش اعلام همکاری نمودند.
 در حدود چهل سالگی به قصد استفاده از دانشمندان مصر راهی آن دیار شد و از محضر شیخ محمد بن عبدالحی کتانی ادریسی و شیخ سلیم بشری رئیس جامع ازهر استفاده کرد.

مبارزات او

سید شرف الدین، هم با مستکبران محلی و مخالفان اسلام در منطقه مبارزه کرد

و هم با استعمار مقابله نمود، مبارزات او با استعمار فرانسه و در راه استقلال لبنان مشهور است و ترور نافرجام سید بوسیله ابن حلاج به دستور فرانسه در همین راستا بود. مشکلات سختی که استعمار فرانسه همواره در راه سید شرف الدین ایجاد می‌کرد او را واداشت به دمشق مهاجرت نماید ولی سپاه فرانسه در راه کمین کرده بودند که از این سفر سید ممانعت به عمل آورند و چون در این راه توفیق پیدا نکردند خانه او در شُحُور را به آتش کشیدند و منزل دیگرش در صور را نیز پس از غارت، مصادره کردند و کتابخانه او را به آتش کشیدند و تالیفات خطی بسیاری از او در این حریق سوخت.^۱

سید شرف الدین با تحمل همه مشکلات خود را به دمشق رسانده و در آنجا مبارزان و دانشمندان دور او جمع شدند و وی با خطابه‌های آتشین خود آنان را به وظائف خطریشان آگاه ساخته و لزوم برخورد جدی با استعمارگران فرانسه را پیشنهاد کرد و بدنبال اقدامات آنان، فرانسه سران نهضت را به فلسطین تبعید نمود.

سید شرف الدین پس از چند ماه به مصر سفر کرد و شخصیت چند بُعدی او باعث شد که بلافاصله بزرگان مصر او را دریافته و به دیدارش بشتابند.

در اواخر سال ۱۳۳۸ هـ. ق بود که به یک آبادی در فلسطین به نام عُلْمَا که در نزدیکی جبل عامل قرار داشت مهاجرت نمود و خانه‌اش محل رفت و آمد مردم شد، دولت فرانسه پس از یک سلسله مذاکرات و وساطت علامه سید محمد صدر — رئیس مجلس اعیان عراق — موافقت کرد که سید شرف الدین و دیگر تبعیدیان به جبل عامل بازگردند. پس از بازگشت تمام تبعیدیان، وی به جبل عامل بازگشت و مردم به استقبالی پر شور و بی سابقه — با همه حوادث مشابهی که در لبنان وجود داشت — از او پرداختند.

معظم له در مقابل جنبشهای آزادیخواهی که در جهان عرب و اسلام اتفاق می‌افتاد موضع مثبتی اتخاذ می‌کرد و در این راستا جنبش مصر و ملی کردن کانال سوئز و جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران را تأیید و با رهبران جنبشهای آزادیخواه تماس داشت و از آنان

.....
۱ — خود او در این فاجعه غمبار فرهنگی که این بار نیز به دست مدعیان تمدن و فرهنگ اتفاق افتاده بود چنین گفته است:

غم از دست دادن فرزند چه بسا از دل رخت بر بندد اما غم از دست دادن فرزندان فکر و زاده‌های اندیشه، تا روزگار باقی است، باقی است (النص والاجتهاد، مقدمه ص ۳۲، شرف الدین)

حمایت می نمود.

یکی دیگر از مبارزات سید شرف الدین مبارزه با فئودالیسم حاکم بر لبنان در آن روزگار بود، وی در برابر زمینداران بزرگ مقاومت و آنان را محکوم می نمود.

مسافرت‌های زیارتی او

در حوالی سال ۱۳۲۸ هـ. ق به مدینه منوره سفر کرد و قبر پیامبر و ائمه بقیع (ع) را زیارت نمود.

در سال ۱۳۴۰ هـ. ق از طریق دریا به زیارت حج بیت الله نائل آمد و اقامه نماز جماعت مسلمانان در مسجد الحرام را عهده دار شد. و در سال ۱۳۵۵ هـ. ق مشاهد مشرفه عراق را زیارت کرد.

سپس به منظور زیارت حضرت رضا (ع) رهسپار ایران شد، ۲۵ روز در ایران بود و در قم بر آیت الله سید صدرالدین صدر خاله زاده خود وارد گردید و ۴ روز در این شهر ماند و در مشهد ۵ روز در منزل آیت الله قمی اقامت گزید. معظم له در مسیر حرکت خود در کلیه شهرها مورد استقبال قرار گرفت و مذاکرات علمی میان ایشان و سایر دانشمندان موجب اذعان آنان به مراتب علمی سید شرف الدین گردید.

ستایش بزرگان از او

عظمت روحی و موقعیت علمی این فقیه آگاه و متفکر پرتلاش زمان و مجاهد همیشه در پیکار به حدی است که دوست و دشمن را یارای انکار آن نیست ما در اینجا به نمونه ای از کلمات بزرگان درباره او اکتفاء می کنیم:

آیت الله العظمی بروجردی (ره) درباره وی می فرمود: قدرت بیان و نثر شیوای مرحوم سید شرف الدین و متانت و قوه استدلال آن مرحوم کم نظیر بود.

آیت الله العظمی امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) بعد از شنیدن خبر ارتحال او ضمن تعطیل درس فرموده بودند: هشام بن حکم زمان ما از دنیا رفت.

.....

علامه امینی (ره) گوید: شرف‌الدین یکی از قله‌های رفیع تشیع است و یکی از درفش‌های افراشتهٔ اسلام، او در این روزگار نمایندهٔ عظمت سادات و بنی‌هاشم است، شیعه را می‌سزد که به شرف‌الدین افتخار کند و به دانش سرشار و شرف تابان و پارسایی عمیق و منطق فصیح و تبلیغات سودمند او!

هم او در جای دیگری گوید: مصلح کبیر، آیت‌الله سید عبدالحسن شرف‌الدین عاملی... شخصیتی که مورد توجه و ستایش امت اسلامی است پیوسته جهت اصلاح امت و تبلیغ اسلام، راهگشای مسلمانان بوده و فداکاری شایسته‌ای نموده است، خدا او را جزای خیر دهد.^۲

محدث قمی (ره) می‌نویسد: سید جلیل، عامل فاضل، محدث کامل، آقا سید عبدالحسین بن شریف یوسف بن جواد بن اسماعیل بن محمد شرف‌الدین که صاحب مصنفات فائده و مؤلفات نافعه جلیله است... و من در بیروت به خدمت این سید شریف رسیدم ادام الباری برکات وجوده الشریف و اعانة نصره‌الدین الحنیف^۳.

استاد شهید آیت‌الله مرتضی مطهری در کتاب «نهضت‌های صد سالهٔ اخیر» نقش اصلاح‌گرا نه شرف‌الدین را مورد توجه قرار داده و می‌گوید: از نظر اندیشه اصلاحی و طرح اصلاحی در جهان شیعه نیز شخصیت‌هایی ظهور کرده‌اند که اندیشه‌های اصلاحی در بعضی زمینه‌ها داشته‌اند مرحوم آیت‌الله بروجردی و علامه شیخ محمد حسین کاشف‌الغطاء و علامه سید محسن عاملی و علامه سید شرف‌الدین و بالخصوص علامه نائینی را نباید از نظر دور داشت.

علامه سید محمد علی روضاتی می‌نویسد: ... حضرت مستطاب یگانهٔ زمان و نابعهٔ دوران، حجة الاسلام والمسلمین علامه العلماء الراشدین سید الفقهاء و المحققین آیت‌الله تعالی فی الارضین سید مشایخنا الامام الحاج سید عبدالحسین شرف‌الدین موسوی عاملی متبع الله المسلمین ببقائه... از غایت اشتها در جمیع اصقاع و اقطار چون شمس در وسط

.....
۱ - شهداء الفضیله ۱۶۶۱.

۲ - الغدیر ج ۷ (مقدمه).

۳ - منتهی الآمال باب نهم فصل ششم در ضمن ذکر اولاد امام هفتم.

النهارند، الحق که این آیت الله معظم خدمات بزرگی به عالم اسلامی و مذهب حقّه جعفری نموده و قلماً و قدماً از هرگونه فداکاری و جانبازی در راه دین خودداری نفرموده است... از همه مجاهدات و خدمات بزرگی... که در رشته های مختلفه علوم اسلامی نگاشته و غالباً مکرر به طبع رسیده نام آیت الله سید عبدالحسین را در ردیف پر عظمت ترین مجاهدین و گران ترین خدمت گذاران شریعت سید المرسلین (ص) ثبت و ضبط می نماید.^۱

علامه متتبع شیخ آقا بزرگ تهرانی درباره او می نویسد:

شرف الدین یکی از افتخارات این روزگار و یکی از آیات بزرگ خداست که در عصر حاضر طلوع کرده است برای این سده اسلامی همین بس که این نابغه یگانه در آن ظهور کرده است و برای جبل عامل همین بس که پایگاه این پرچم افراشته دین و این نیروی گسترنده هدایت است یعنی یادگار خاندان وحی، شرف الدین کسی است که با دانش گسترده خویش بر همتایان فایق آمد و نیز با بیان روشن و وزین و پرتوان و استدلال فلج کننده و سبک استوار و تحریر رشیق، دست یافتن به مطالب والا و دقائق دیرباب و مقاصد گرانمایه... کسی که بخوهد شرف الدین را توصیف کند چه بگوید؟ بگوید او مجتهدی است دانا؟ متکلمی است بی همتا؟ فیلسوفی است پژوهنده؟ اصول دانی است متبحر؟ مفسری است بزرگ؟ محدثی است صادق؟ مورخی است حجت؟ خطیبی است زبان آور؟ پژوهشگری است نقد گرا؟ ادیبی است سترگ؟ آری شرف الدین این همه هست و علاوه بر اینها، مجاهدی است نستوه در راه دین و سنگرمذهب حق، گواه او، خامه و قلم اوست و کتابها و نوشته های او و سخنرانیها و منبرهای او و خدمات سودمند و مباحثات نوآیین و استدلالهای کوبنده او.^۲

علامه میرزا محمد علی اردوبادی در نامه ای به معظم له می نویسد:

سرور سرآمدان مسلمین و درفش افراشته دانش و دین و مایه پشت گرمی فقها و

مجتهدین، برهان حقانیت اسلام و مسلمانان.^۳

.....

۱ - زندگانی حضرت آیت الله چهار سوقی ۲۱۸ - ۲۱۹

۲ - نقباء البشر ج ۳ / ۱۰۸۲ - ۱۰۸۴

۳ - المراجعات (مقدمه) ص ۳۰ چاپ ۲۰.

علامه شیخ مرتضی آل یاسین نیز در نامه‌ای می‌نویسد:

سرور نگهبانان دین اسلام و بزرگ خادمان مذهب تشیع، پیشوای علم و دین حجت الاسلام والمسلمین آیت خدای جهان جانم فدایت باد^۱.

مورخ شهیر مرحوم شیخ ذبیح الله محلاتی می‌نویسد: این سید معظم و دانشمند بی نظیر از بزرگان علماء عصر خود بشمار می‌رفته وی در علم فقه، علم حدیث، علم رجال، ادبیات، شعر، اصول مذهب و مراتب علمیه و کمالات نفسانیه یگانه عصر خود و موجب افتخار شیعیان دوازده امامی بشمار می‌رفته^۲.

استاد علی دوانی می‌نویسد: مرحوم شرف الدین عاملی یکی از شخصیت‌های بزرگ اسلامی و از مجتهدان بنام شیعه در کشور لبنان بود. شهر صور واقع در جنوب لبنان از نام سید عبدالحسین شرف الدین جدا نیست هرکس نام این شهر تاریخی و منطقه شیعه‌نشین جنوب لبنان را شنیده باشد با مرحوم شرف الدین هم آشناست.

... قدرت فکر و احاطه وی بر احادیث و مدارک و منابع اهل تسنن و توانائی او در نقض و ابرام موضوعات مختلف و متانت و مهارت در هر بخشی از کتاب «اجتهاد در مقابل نص» جلوه گر است.^۳

در کتاب «المصلح المجاهد الشیخ محمد کاظم الخراسانی» می‌نویسد: من کبار علماء المسلمین و عباقره الشیعة فی هذا العصر.

آیه الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی می‌فرمایند:

یکبار با او در لبنان هنگام شرفیابی ام به زیارت خانه خدا و بار دیگر هنگامی که به زیارت نجف اشرف تشریف آورده بود ملاقات کردم در هر دو بار فضائل اخلاقی او را در مرتبه‌ای از عظمت دیدم که برابری با آن نمی‌توان کرد و از نظرات چنان محکم و بزرگی برخوردار بود که به پایه آن نمی‌توان رسید جهاد او را در راه اعلائی کلمه اسلام کسی نمی‌تواند نادیده بگیرد، در دفاع از شریعت اسلام و یاری به مذهب حقه جعفری و دعوت به اصلاح و پیشرفتگی امت، توفیق همواره یار او بود که خدا بهترین پاداش نیکوکاران را به

.....

۱- المراجعات / ۲۸ چاپ ۲۰.

۲- اختران تابناک ج ۱/ ۲۵۶.

۳- مقدمه اجتهاد در مقابل نص ص ۷.

ایشان عطا فرماید. پس از خود، شکستی در اسلام بر جای گذاشت که چیزی آن را ترمیم نمی‌تواند بکند و مصیبتی برای جامعه اسلامی بجا گذاشت که هرگز فراموش نمی‌شود و جراحی بر پیکره اسلام باقی گذاشت که هیچوقت خوب نمی‌شود.^۱

و آیت الله شیخ عبدالکریم جزائری می‌فرماید:

من از زمان قدیم آن مرحوم را می‌شناسم مردی بود که در علم و ادب به بالاترین درجه آن ارتقاء یافته و به تاریخ اسلامی احاطه کاملی پیدا کرده بودند بسیار زیبا و روانی داشتند که در طول عمرشان در راه دفاع از حوزه دینی همواره او را همراهی می‌کرد.^۲

و آیت الله شیخ حسین حلی می‌فرماید:

آن مرحوم در اعلاء کلمه حق و برافراشتن پرچم اسلام از بزرگان علماء عاملین بودند که تألیفات جاودانه او و جایگاه معروفش بهترین دلیل بر این مطلب است جامعه اسلامی با از دست دادن او خسارت بزرگی را بر خود هموار کرد.

آیت الله سید جواد تبریزی می‌فرماید:

... ایشان شخصیتی بودند آزاداندیش و متفکری شجاع و گوینده‌ای توانا و رزمنده‌ای مجاهد که گوئی امتی از شخصیتها در شخصیت او جمع آمده بودند و مثل او مثل روح است که در عین وحدتش کلیه قوای نفسانی است.

نویسنده محقق آقای سید مصلح الدین مهدوی می‌نویسد:

مرحوم سید عبدالحسین شرف الدین از بزرگان علماء و فقهاء و مجتهدین و خدمتگزاران به شرع و مسلمین و از جمله کسانی است که در راه وحدت اسلامی خصوصاً جهت برابری با دشمنان استعمارگر در ناحیه لبنان خدمات زیادی انجام داد.^۳

ویژگیهای اخلاقی او

سیره زندگی ایشان بر اساس قرآن کریم و روایات اخلاقی و سیره عملی ائمه

.....

۱- نشاط الثقافی ش ۱ ص ۲۳۸.

۲- نشاط الثقافی ش ۱ ص ۲۳۹.

۳- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ج ۱ / ۲۹۶.

طاهرین (ع) و علمای صالح سلف طرح ریزی شده بود و مادر این مقال به گوشه‌هایی از صفات حمیده و اخلاق پسندیدهٔ معظم له اشاره می‌کنیم:

اخلاص

استاد سید حسین شرف‌الدین نواده ایشان در این باره می‌نویسد:

مدرسه‌ای بود در صورتی که مخالفان سیاسی پدر بزرگ آن را اداره می‌کردند هنگامی که بچه بودم یک روز عصر به نزدیک آن مدرسه رفتم و چند سنگ پرتاب کردم که موجب شد تا زیان‌هایی اندک به مدرسه وارد آید، و این بدان علت بود که من تحت تأثیر درگیری‌های سیاسی قرار گرفته بودم که میان پدر بزرگ و مخالفانش در رابطه با مدرسه پیش آمده بود همان شب پس از نماز عشاء به خانه ما آمد من با خوشحالی پیش دویدم، او از آن کار من شدیداً بازخواست کرد و گفت مشکلات سیاسی من همه در ارتباط با دین است من با مخالفان سیاسی خود، برای خدا درگیر می‌شوم اما آنان برای منافع شخصی خود مشکل آفرینی می‌کنند، من مدرسه جعفریه را تأسیس کردم تا فرزندان خود و مردم را از مدارس تبشیری مسیحی نجات دهم بویژه فرزندان بینوایان و ناتوانان را و به همین دلیل مدرسه را مجانی قرار دادم، مخالفان من نیز همین کار را کرده‌اند اگرچه برای رقابت من، یعنی آنان نیز مدرسه‌ای درست کرده‌اند برای طبقات پایین شیعه، حالا اگر من بتوانم آنان را به راه صواب بکشانم و برنامهٔ مدرسه جعفریه را در آنجا هم پیاده کنم چه بهتر و اگر این کار را نتوانم چون آنان می‌خواهند با من رقابت کنند ناچارند راه مرا در پیش گیرند و مدرسهٔ خود را مانند جعفریه اداره کنند و در این صورت کاری که مورد رضای الهی است انجام گرفته چه به دست من انجام یابد یا به دست مخالفان من.^۱

میهمان دوستی

مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ (فروع کافی ج ۶ / ۲۸۵)

هرگاه میهمانی بر او وارد می‌شد خصوصاً اگر از دانشمندان بود، بسیار به آنان

.....

احترام می‌گذاشت و گاهی که آب لوله‌کشی در قسمت بیرونی منزل (محل سکونت مهمانان) قطع می‌شد او شخصاً آفتابه را آب می‌کرد و در دسترس مهمان قرار می‌داد.^۱

اهتمام به امور طلاب

در ابتدای ورود ایشان به لبنان که مصادف با جنگ جهانی اول بود (۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ م) حکومت عثمانی بخشنامه‌ای صادر کرد که هر کس توانائی حمل اسلحه دارد، باید وارد نظام شود، و از این حکم فقط آن دسته از علمای دینی معاف بودند که نامشان در دفاتر دولتی ثبت بود و این استثناء فقط شامل علمای سنی و مسیحی می‌شد زیرا علماء و طلاب شیعه نه دفتری داشتند و نه کسی که نام آنان را در جائی به ثبت رسانیده باشد.

معظم له در این باره اقدام کرد و کوشید تا اینکه از طرف باب عالی عثمانی در استانبول فرمانی برای معاف بودن علماء و طلاب شیعه صادر شد.^۲

شجاعت

در جریان مبارزات سیاسی، طوماری می‌نویسد و از شیعیان سرشناس صور می‌خواهد تا آن طومار را امضاء کنند یکی از مواد نامه این بوده است: «ما حکمران فرانسوی نمی‌خواهیم» مردی خبیث جریان را به حاکم اجنبی اطلاع می‌دهد یک روز این حلاج (جبران) با دو افسر فرانسوی همراه مترجم به طور ناگهانی وارد خانه سید شرف‌الدین می‌شود و یگراست به محل طوماریاد شده می‌رود تا آن را بردارد، ایشان با شتاب طومار را برمی‌دارد و در بغل می‌گذارد، افسر مزبور تلاش می‌کند تا طومار را بگیرد سید شرف‌الدین ضربه محکمی با پا به او می‌زند او را به آن سو پرتاب می‌کند بطوری که [تفنگ] ششلول او از دستش می‌افتد، ایشان ششلول را برداشته و لوله آن را بطرف صورت او نشانه می‌گیرد... افسر یار شده شروع به التماس و خواهش که به من رحم کنید.. خبر واقعه به گوش مردم صور می‌رسد مردم آشفته و عاصی به خانه سید شرف‌الدین می‌آیند. ۲۵ تن از زنان محله که از

.....

۲ و ۱ - شرف‌الدین / ۲۲۲

همه زودتر از دیگران آگاه می‌شوند افسریاد شده را تا مقرر حکومتی دنبال کرده و به طرف او سنگ پرتاب می‌کنند، این جریان باعث می‌شود تا حاکم فرانسوی، خود برای عذرخواهی، به صور بیاید...

طبع بلند او

از حجة الاسلام حاج سید عبدالله شرف الدین، فرزند آن مرحوم شنیدم ادیب مشهور محمّد علی الحومانی در کتاب «من یسمع» داستان زیر را نقل می‌کند و می‌گوید:
ملک فیصل توسط رئیس دربارش احسان البکر الجابری مبلغ ۵ هزار لیره مصری برای سید شرف الدین فرستاد اما ایشان ضمن رد آن فرمود: من برای پول جهاد نکردم. فیصل گفته بود من تا الآن آدمی به این بلند طبعی ندیده‌ام.
این جریان را حومانی از خود احسان البکر الجابری شنیده است.

دیگر ملکات روحی ایشان

دیگر خصوصیات او نیز بخشی از ملکات فاضله او است که نمونه‌ای زنده از اخلاق برجسته اسلامی او که حقیقتاً اسوه اخلاق بود از آن جمله:
* احترام و تفقّد از تمام طبقات و سلوک مناسب با آنان.
* دستگیری از افرادی بضاعت و کوشش برای رفع دردها و مشکلاتشان به حدی که آیت الله حکیم (ره) درباره او فرمودند:
«إن السید معدن رحمة وإحسان فلا یفیض الأرحمة وإحسان» و در جنگ جهانی اول از ثروتمندان، آذوقه می‌گرفت و در اختیار مستمندان و بیچارگان می‌گذاشت.
* عفو و چشم‌پوشی از کسانی که به وی بدی می‌کردند.
* او در بزرگداشت اهل علم و اهل قلم و شاعران، زیان‌زد عام و خاص بود و در تشویق نوجوانان به تحصیل و خودسازی و کوشش برای متدین‌بار آوردن آنان تلاش می‌کرد.
* در امر به معروف و نهی از منکر جدی بود و گاه افرادی را که به مقدسات توهین می‌کردند از مجلس بیرون می‌کرد و با متخلفان عملاً برخورد می‌کرد.
* به ایرانیان سخت علاقمند بود چون آنان را پشتیبان واقعی تشیع می‌دانست.

* تواضع فوق العاده‌ای داشت و خود را اقل خدماة الدين الاسلامی و سندنه المذهب الإمامی معرفی می‌کرد.^۱

- * به حرفهای عادی عوام الناس نیز دقیقاً گوش می‌داد و احساس خستگی نمی‌کرد.
- * دورانیش و تیزهوش بود و مردم را به کار خیر ترغیب می‌نمود.
- * هرگز به هم بحثهای خود برتری نمی‌فروخت.
- * به دوست و دشمن با یک چشم می‌نگریست.
- * حق گو بود و حق طلب.

شاعر متعهد محمد علی الحومانی در ضمن قصیده‌ای که در سال ۱۹۲۰ انشاء کرده دربارهٔ ویژگی‌های اخلاقی ایشان می‌گوید:

وَعَلِمَ جُودَ بَكَفِّكَ تَبَشُّطُ ضَمِنَ عِلْمَ صَدْرِكَ فِي عَيْلِمِ
تَبَشُّبُ وَتَهْرَمُ فِيكَ الزَّمَانُ وَجُودُ آيَادِكَ لَمْ يَهْرَمْ
خِلَالَكَ تَفَرَّدَتْ فِي كَسْبِهَا فَكُنْتَ أَبَاكَ فَلَمْ تَقْلِمِ

از دریای علوم مخزون در سینه‌ات با دو دست تو جریان خروشان از علم به دریای علوم اسلامی سرازیر می‌شود و هر آن، آن را گسترده و گسترده‌تر می‌کند.

چه بسا فضائل و معالی اخلاقی که تو در اکتساب آنها منحصر به فرد هستی بنابراین تو پدر خودت هستی (یعنی در تمام دنیا جز خودت شبیه و نظیری ندارد).

علامه شیخ محمد رضا الزین چنین سروده:

أَزَاكَ بِعَيْنِ الْحَقِّ وَارِثَ أَخْمَدَ فَأَنْتَ لِهَذَا الْخَلْقِ مِنْ بَعْدِهِ دُخْرُ
تَفِيضُ عَمَلِي الْأَبَامِ مِنْكَ سَحَابَةٌ تُمْ بِهَا الدُّنْيَا أَنْوَالِكَ الْعَشْرُ

به دیده انصاف که می‌نگرم تو را وارث رسول خدا می‌بینم که تو پس از آن حضرت از ذخائر خلق خدا هستی هر روز از توباران رحمتی باریدن می‌گیرد که با ده انگشت آن را به سرتاسر دنیا می‌گسترانی.

و همچنین سید هاشم در قصیده‌ای در سنه ۱۳۳۲ ق چنین سروده:

حَلِيمٌ يُوَارِثُ سَمَّ الْجِبَا لِحَجِيٍّ رَاسِخاً ظَوْدُهُ لَمْ يَزَلْ

۱ — از جمله، در پایان تعلیقات خود بر کتاب المراجعات = کمترین خدمتگزاران اسلام و خدمتکاران

سَخِيُّ الْأَتَاوَمِلِ لَمَّا أَنْتَدَى
عَدِيمُ الْمَثِيلِ عَلَى شَامِيحٍ
لَهُ فِكْرَةٌ كَمَنْ تَجَلَّى بِهَا
وَأَخْلَقَ لَطِيفٌ يُحَاكِي الصَّبَا

بَارِي السَّحَابِ إِذَا مَا هَظُنْ
مِنَ الْفَضْلِ يُضْرَبُ فِيهِ الْمَثَلُ
مِنَ الْمُشْكِلَاتِ دُجِيٌّ مُنْسَدَنُ
بِرِقَّةٍ ظَلْبِيحٍ عَلَيَّهَا جَبَلُنْ

تو آن شخصیت بردباری هستی که با کوههای بلند برابری می کنی و همواره با عقل و درایت عمل نموده و همچون کوههای سر به فلک کشیده پا برجا و استواری.

وقتی که در میان جمعیت ظاهر می شوی، سیل سخاوت از میان انگشتانت سرازیر می شود و به ابرهای پریشان هنگام باریدن گوی سبقت می بری.

تو آن شخصیت بی نظیری هستی که بر قله بلند فضیلت قرار گرفته ای و در بی همتائی در جایگاهی قرار گرفته ای که ضرب المثل برای مردم شده ای.

تو دارای چنان قدرت فکری هستی که بوسیله فکر تو پرده های ضخیم ابهام از شب تاریک مشکلات علمی دریده می شوند.

تو دارای اخلاق لطیفی هستی و این اخلاق لطیف چنان با وجود تو عجب شده که آدمی را بیاد لطافت روح نواز نسیم صبا می اندازد.

و همچنین ادیب بزرگوار شیخ محمد حسین شمس الدین چنین سروده:

هُوَ بَخْرٌ عِلْمٍ مَأْتُهُ أَخْدٌ
وَيَجْنِبُ بَخْرَتِهِ الْبُحُورَ إِذَا
وَحْضَمٌ جَوْدٍ مَا بِهِ وَشَلْ
مَا قَسْتَهُنَ فَاتَّهَا بَلَلْ

او دریای علمی است که حدود و همتائی ندارد و آن اقیانوس سخائی که هرگز به ضعف و خشکی نمی گراید.

در کنار دو دریای او (دریای علم وجود) و در مقام مقایسه، دریاهاى دیگر به رطوبت ناچیزی می مانند که بر سر سوزنی قرار گرفته باشد.

موقفش با شاه خائن ایران

از حجت الاسلام سید عبدالله شرف الدین شنیدم هنگامی که محمد رضا پهلوی به لبنان آمد، یکی از کارمندان سفارت ایران نزد سید شرف الدین آمد و از او خواهش کرد که برای تقویت مرکزیت شیعه به دیدن شاه برود ولی ایشان نپذیرفت و گفت مرا با او کاری نیست. مأمور سفارت دوباره آمد و گفت پس با ماشین در حیاط دفتر تشریف بیاورید تا شاه

دست شما را ببوسد پس از آن شاه به بازدید شما در دبیرستان جعفریه بیاید چون تصمیم دارد کمک مهمی به جعفریه بکند، سید فرموده بود ما نیازی به کمک شاه نداریم. این جریان را روزنامه‌های وقت در صفحه اول نوشتند.

تألیفات

با وجود اشتغالات بسیار اجتماعی و سیاسی که بیشتر وقت سید شرف‌الدین را اشغال کرده بود ایشان از نوشتن کتب ارزنده و روشنگر غفلت نمی‌کرد و علیرغم وسواسی که در امر تألیف داشت — و بقول آیت الله علی احمدی میانجی، مکتوبات و نوشتجات خود را برای فرزندان خود می‌خواند تا اگر نظر اصلاحی دارند روی آنها انجام دهد — کتب زیر را از خود به یادگار گذاشت:

المراجعات

مجموعه ۱۱۲ نامه است که بین مؤلف و شیخ الاسلام سلیم بشری، مفتی و رئیس وقت جامع الازهر مبادله شده است بارها چاپ شده است این کتاب سه ترجمه به فارسی دارد.

۱- المناظرات

۲- مذهب و رهبر ما ترجمه آقای مصطفی زمانی

۳- رهبری امام علی (ع) از دیدگاه قرآن و پیامبر ترجمه آقای محمد جعفر امامی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، مترجم معتقد است که این ترجمه از دو ترجمه قبل کاملتر و ترجمه‌های دیگر نارسا است.

الفصول المهمة فی تألیف الأئمة

این کتاب ارزشمند که آن را در سال ۱۳۲۷ ق نگاشته و منشور وحدت و برادری محسوب می‌شود دو ترجمه فارسی دارد به نامهای:

۱- در راه تفاهم زیر نظر آیه الله محمد یزدی، انتشارات آزادی قم.

۲- مباحث عمیقی در جهت وحدت امت اسلامی توسط احمد صادقی اردستانی،

انتشارات حاذق.

این کتاب گوشه‌ای از اقدامات معظم‌له را در رابطه با اتحاد امت اسلامی نشان

می‌دهد.

الكلمة الغراء في تفضيل الزهراء (س)

به ضمیمه الفصول المهمه چاپ شده است و توسط دانشمند محترم آقای محسن بیدارفریه فارسی ترجمه و توسط انتشارات الزهراء چاپ شده است.

فلسفة الميثاق والولاية

بحثی در شرح آیه الست بِرَبِّكُمْ، صیدا ۱۳۶۰ هـ. ق.

اجوبة موسى جارالله، عرفان — صیدا ۱۳۵۵ و ۱۳۷۳ هـ. ق، حاوی پاسخهای مؤلف به ۲۰ سؤال موسی جارالله از علمای اهل سنت.

مسائل فقهية، صیدا، ۱۱۷۰

ابوهريره

در زمينه معرفی صحیح بازرگان حدیث، ابوهریره (م ۷۵ یا ۵۸) و نشان دادن

مقدار اعتبار احادیث او

النَّصُّ والاجتهاد

در این کتاب ۹۹ مورد بر اساس مآخذ معتبر اهل سنت نشان داده شده که در تمامی

این موارد بر خلاف نص پیامبر (ص) عمل شده است، بارها و بارها در نجف و بیروت چاپ شده و به نام اجتهاد در مقابل نص توسط آقای علی دوانی به فارسی برگردانده شده است.

المجالس الفاخرة

در باب قیام خونین امام حسین و فلسفه اقامه شعائر حسینی

كلمة حول الرؤية

صیدا ۱۳۷۱ هـ. ق درباره عدم امکان رؤیت خداوند متعال

ثبت الاثبات في سلسلة الرواة

صیدا، تذکره اساتید و مشایخ اجازة مؤلف است. اخیراً توسط علامه سید عباس

کاشانی در ضمن کتاب المخازن چاپ شده است.

الى المجمع العلمی العربي بدمشق

صیدا، ۱۳۶۹ هـ. ق ردّ تهمت های مجمع علمی دمشق

در ترجمه احوال عالمان و بزرگان خاندان شرف‌الدين، خطی است.

مؤلفوا الشيعة في صدر الاسلام

نخست در مجله‌العرفان سال اول و دوّم و سپس در سال ۱۳۸۵ در نجف به چاپ رسید. و در ذکر پیشگامان مؤلفان و نخستین نویسندگان اسلامی شیعه است، ناتمام.

زينب الكبرى

سخنرانی شرف‌الدين در صحن مبارک زینبیه، چاپ صيدا

آثار از دست رفته:

۱ - تعلیقه علی الاستصحاب

حاشیه‌ای بر استصحاب رسائل

۲ - شرح التبصرة در فقه استدلالی، ۳ مجلد، طهارت و قضا و شهادت و موارد

۳ - سبیل المؤمنین ۳ ج

۴ - التّصوّص الخلیّیة این کتاب و کتاب قبلی و بعدی درباره امامت بوده است.

۵ - تنزيل الآيات الباهرة

حاوی صد آیه از آیات شریفه قرآن بوده که طبق صحاح اهل سنت درباره ائمه طاهرین نازل شده است.

۶ - تعلیقه علی صحیح المسلم

۷ - تعلیقه علی صحیح البخاری

از این دو کتاب معلوم می‌شود که نویسنده نه تنها احاطه خاصی در احادیث شیعه داشته است بلکه علم و اطلاع وسیعی از روایات عامه نیز داشته است.

۸ - زکاة الاخلاق

بخش‌هایی از آن دو در مجله وزین «العرفان» انتشار یافته است.

۹ - المجالس الفاخرة

۴ جلد بوده جلد اول در زندگی پیامبر اسلام جلد دوّم در زندگی حضرت علی و حضرت زهرا و امام مجتبی (علیهم السلام) و جلد سوّم در زندگی امام حسین (ع) و جلد چهارم در زندگی سایر امامان شیعه (ع).

۱۰ - تحفة المحدثین فیما اخرج عنه السنة من المصنفین

۱۱ - رساله ای در منجزات مریض

۱۲ - تحفة الاصحاب در حکم اهل کتاب

۱۳ - الذریعة فی الرد علی البدیعة، بدیعه نبهانی

۱۴ - بغیة الفائز فی نقل الجنائز بیشتر آن را العرفان چاپ کرده است. گویا ردّ بر مرحوم سید هبة الدین شهرستانی است که قائل به عدم جواز است (تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ج ۲۹۶/۱)

۱۵ - الفوائد والفرائد

۱۶ - سرّیة السائل عن لثم الامائل حاوی ۸۰ حدیث از طرق خاصه و عامه

۱۷ - الاسالیب البدیعة فی رجحان ماتم الشيعة

آن مرحوم علاوه بر تألیف، طبع شعر نیز داشت و در شعرش رقت و دقت معانی را با روانی و زیبایی الفاظ جمع کرده است.

فرزندان معظم له **دُرَّةٌ بَقِيضُهَا مِنْ بَقِيضِ آلِ عِمْرَانَ** (۳۴)

۱ - سید محمد علی شرف الدین تولد او ۱۷ رجب ۱۳۱۷ هجری در نجف اتفاق

افتاد و در حوزه علمیه نجف و کاظمین به تحصیل علم پرداخت استادان وی عبارتند از: آیات عظام سید حیدر صدر، شیخ مرتضی آل یاسین، شیخ محمد علی خراسانی، میرزا حسین نائینی و سید ابوالحسن اصفهانی و شیخ محمد رضا آل یاسین و شیخ ضیاء الدین عراقی قدس الله اسرارهم. وی فردی شجاع و نزد علماء مقام و موقعیت ممتازی داشت. از مؤلفات باقیمانده از ایشان کتاب «شیخ الابطاح» می باشد که در آن شرح مفیدی از تاریخ و زندگانی حضرت رسول و پدر امیرالمؤمنین ابوطالب آمده و ایمان این بزرگوار را ثابت می کند. سید دارای سه پسر (حسن و حسین و محسن) می باشد و هر سه نویسنده می باشند.

۲ - سید محمد جواد که در شوال سال ۱۳۲۴ قمری به دنیا آمد و در حوزه علمیه

نجف مدتی مشغول به تحصیل علم شد و پس از آن به لبنان بازگشت، او دارای موقعیت اجتماعی - سیاسی بود پسری دارد بنام جعفر که مهندس است و در ۱۳ ربیع الثانی سال ۱۳۹۷ درگذشته و مدتی وزیر آب و برق لبنان بوده است.

۳ - سید محمد رضا، در ۱۵ محرم سال ۱۳۲۷ بدینا آمد، در حوزه علمیه کاظمین و نجف به تحصیل علم پرداخت او نویسنده و شاعری توانا بود از جمله مؤلفات شعری او روایة الحسین می باشد وی مدتی هم مجله ای بنام *الديوان* منتشر می کرد و در ۹ ذی الحجة سال ۱۳۸۹ در شهر صور وفات یافت، او دارای چهار پسر می باشد^۱.

۴ - سید صدرالدین که در چهارم محرم سال ۱۳۲۰ قمری متولد شد و در حوزه علمیه نجف تحصیل کرد و نویسنده ای توانا و روزنامه نگاری بزرگ بود و در ایام اشغال عراق بوسیله انگلیس، با قلم شیوای خود علیه آنها مبارزه کرد و کتابهای صحابة بورت سموت و ثورة العراق الحاضرة را بر ضد آنان و حاکمان دست نشانده عراق نوشت و روزنامه الساعه تأسیس سید صدرالدین منبری آزاد ضد اشغالگران بود، اولین کتاب وی هاشم و أمیه است بعد از آن زیارة الاربعین و کتاب کلمة و مناسبة و حلیف محزوم و... است و همچنین کتاب نص و اجتهاد و شیخ المضیره تألیف شیخ محمود ابوریه را بحث و تحقیق کرد و نیز از تألیفات وی کلمة فی المولد والهجرة، خلیفة النبی، شاعر الله، بیوت من زجاج و محنة العراق می باشد و در لبنان مجله النهج و مدرسه ای بنام النجاح را تأسیس کرد وی در چهارم ذی القعدة ۱۳۸۹ ق در شهر صور در لبنان درگذشت و از او شش پسر باقی ماند^۲ که یکی از آنان سید عمار نام دارد که فعلاً جزء طلبه های پرتلاش حوزه علمیه قم می باشد.

۵ - سید جعفر که در ماه جمادی الاول سال ۱۳۳۸ قمری در لبنان متولد شد در شهر صور نزد پدر خود به تحصیل اشتغال پیدا کرد و همراه با پدر مدرسه جعفریه را تأسیس کرد و در آن مشغول به تدریس شد، مدتی مجله المعهد را منتشر می کرد. فعالیت های اجتماعی و سیاسی فراوانی داشت مانند تأسیس «جمعية البر والاحسان» که هدفش کمک به محتاجین بود و همچنین مدت ۱۲ سال نماینده شهر صور در پارلمان لبنان بود، در این مدت کمک فراوانی به فلسطینیان آواره کرد. او هم اکنون مشغول به نوشتن کتابی بنام دائرة المعارف القرآنیه است و دارای سه پسر می باشد.

۶ - سید یوسف که در جمادی الاول سال ۱۳۴۱ متولد شد او از ابتداء مشغول به

.....

۱ - و نیز ببینید: شعراء الغری ج ۸/۴۸۵، معجم رجال الفکر و الادب / ۲۴۷، الذریعه ج ۷/۲۱

۲ - و نیز ر.ک: شعراء الغری ج ۴/۳۷۲.

تجارت بود و دارای چهار پسر می‌باشد.

۷ - سید عبدالله که در ۴ رمضان سال ۱۳۴۵ در لبنان متولد شد در مدرسه الجعفریه مشغول تحصیل گشت بعد از آن نزد پدر خویش ادامه تحصیل داد، در سال ۱۳۷۳ قمری به قم هجرت کرد و در حوزه علمیه قم ۱۵ سال نزد استادانی همچون شیخ محمد کرمی در سطح و خارج ادامه تحصیل داد.

از مؤلفات وی معجم رجال الشیعه است و تا کنون در حدود ۳۰ جزء نوشته شده ولی چاپ نشده است و مع موسوعات رجال الشیعه که چهار جزء آن در حال چاپ است و حاشیه‌ای بر ریغیه الراغبین فی سلسله آل شرف الدین دارد و هم اکنون در شهر صور لبنان سمت قاضی شرع دارد و مشغول تکمیل تألیفات خود می‌باشد.

مشایخ شرف الدین در روایت از امامیه

- ۱ - والدش علامه سید یوسف شرف الدین؛
- ۲ - ابو محمد سید حسن بن سید هادی شرف الدین؛
- ۳ - میرزا محمد هاشم بن سید زین العابدین موسوی اصفهانی (صاحب معانی الاصول)؛

۴ - میرزا حسین نوری؛

۵ - شیخ الشریعه اصفهانی.

مشایخ روایت او از اهل سنت

- ۱ - شیخ سلیم البشری المالکی؛
- ۲ - محمد معروف به شیخ بدرالدین دمشقی شیخ الاسلام دمشق؛
- ۳ - شیخ محمد بن محمد بن عبدالله خانی خالدی نقشبندی شافعی؛
- ۴ - شیخ محمد معروف به شیخ توفیق ایوبی انصاری دمشقی؛
- ۵ - شیخ محمد عبدالحسن بن شیخ عبدالكبير كتانی فاسی ادریسی.

شماری از افرادی که از معظم له اجازه روایت دارند:

- ۱ - سید علی نقوی هندی لکنهوی؛

- ۲ - شیخ راضی آل یاسین
- ۳ - شیخ مرتضی آل یاسین
- ۴ - شیخ آقا بزرگ تهرانی
- ۵ - سید محمد هادی میلانی
- ۶ - سید شهاب الدین نجفی مرعشی
- ۷ - مرتضی مدرسی چهاردهی
- ۸ - سید حیدر صدر
- ۹ - شیخ محمد تقی صادق
- ۱۰ - سید احمد زنجانی
- ۱۱ - سید محمد علی قاضی تبریزی
- ۱۲ - سید اسماعیل صدر برادر سید محمد باقر صدر
- ۱۳ - سید علی صدر بن سید حسن
- ۱۴ - میرزا محمد طهرانی
- ۱۵ - میرزا نجم الدین عسگری تهرانی
- ۱۶ - سید محمد صادق بحر العلوم
- ۱۷ - سید محمد سعید عبقاتی
- ۱۸ - سید مصطفی خوانساری
- ۱۹ - سید علی رضوی هندی
- ۲۰ - سید محسن نواب هندی
- ۲۱ - شیخ سعاد حسین لکنهوی از اعضاء مؤسس تنظیم المکاتب لکنهوی
- ۲۲ - شیخ عبدالکریم شراره از علمای جبل عامل
- ۲۳ - شیخ محمد رضا طبسی نجفی .

نمونه ای از کلمات قصار سید شرف الدین

- ۱ - درباره جدائی شیعه و سنی فرموده است: **فَرَّقْتُهُمَا آيْتِيَاسَهُ فَلْتَجْمَعَهُمَا آيْتِيَاسَهُ.**
یعنی شیعه و سنی را از روز نخست، سیاست (و مضامع سیاسی) از هم دور کرده و اکنون باید

سیاست (و مصالح سیاسی اسلام و مسلمین) آنان را کنار هم گرد آورد.^۱

۲ - لَا يَنْتَشِرُ الْهُدَى إِلَّا مِنْ حَيْثُ انْتَشَرَ الضَّلَالُ!

از همان جا که گمراهی انتشار یافته است باید هدایت انتشار یابد.

مؤسسات او

هنگامی که شرف الدین به شهر صور (جنوب لبنان) وارد شد شیعیان آن سامان نه مدرسه‌ای داشتند و نه حسینیه و مسجدی و ایشان کمر همّت را بست و مؤسسات زیر را بنا نهاد:

۱ - حسینیه محل تجمع شیعیان جنوب لبنان؛

۲ - مسجد؛

۳ - المدرسة الجعفریه که در مقابل مدارس که استعمارگران در مستعمره‌های خویش جهت دور کردن نسل جوان از دین می‌ساختند ساخته شد؛

۴ - نادى الامام الصادق (باشگاه امام صادق (ع)) محلی برای اجتماعات و کنفرانسهای اسلامی و علمی و اجتماعی و تربیتی؛

۵ - مسجد الجعفریه؛

۶ - مدرسه الزهراء؛

۷ - آمادگی الجعفریه برای خردسالان؛

۸ - آمادگی الجعفری برای دختران؛

۹ - جمعیه نشر العلم؛

۱۰ - الجمعیه الخیریه الجعفریه، در جهت رفع استضعاف و ایجاد عدالت اجتماعی؛

۱۱ - جمعیه البرّ والاحسان برای مساعدت افراد بی بضاعت و...

بسوی خدا

پیامبر اکرم (ص) فرمود: قُوَّةُ الْعَالِمِ مُصِيبَةٌ لَا تُجْبَرُ وَتَلْمَظُ لَا تُسَدُّ وَهَوْنُ نَجْمٍ طَمَسَ وَمَوْتُ

.....

۱ - النص و الاجتهاد (مقدمه) / ۱۴. شرف الدین / ۱۷۵.

۲ - النص و الاجتهاد (مقدمه) به قلم سید محمد باقر صدر ص ۳۲ چاپ ۳.

قَبِيلَةُ آبَسْرُ مِنْ قَوْمِ عَالِمٍ ۱

فوت دانشمندان مصیبتی است جبران‌ناپذیر و رخنه‌ای است پرنشدنی و همانا اوستاره‌ای است که ناپدید شده است و مرگ یک قبیله آسانتر از فوت یک دانشمند است.

فوت او در روز دوشنبه ۸ جمادی الثانی سال ۱۳۷۷ ق در لبنان اتفاق افتاد و با در گذشت او جامعه شیعی، یکی از مصلحان و افتخارآفرینان خود را از دست داد و جسد مطهر او در بیروت تشییع رسمی شد پس از آن با هواپیمای ویژه به بغداد حمل شد و در بغداد و کاظمین تشییع گردید سپس در کربلا با اشگ و آه و سوز و ناله شیعیان داغدار تشییع و قبل از غروب آفتاب جنازه به نجف اشرف رسید در آنجا نیز تشییع بی سابقه‌ای از آن‌به‌عمل آمد و در روز چهارشنبه ۱۰ جمادی الثانی در حجره مجاور آرامگاه آیت الله سید محمد کاظم یزدی در سمت جنوبی صحن مطهر علوی به خاک سپرده شد، مزارش هم اکنون میعاد گاه وارستگان و ستم ستیزان و عالمان دین است.

و در کشورهای مختلف اسلامی مجالس یادبودی برای او برگزار شد و شعرای بسیاری در رثای او شعر گفته و نویسندگانی نیز با نوشتن کتاب و مقاله در شرح حال و اقدامات او، از خدماتش تجلیل کردند و اندیشمندانی چون امام موسی صدر تداوم بخش راه جاودانه او شدند.

بسر اورحمت از ایزد پاک باد روانش به جنت فرحناک باد
علامه شیخ نورالدین ماده تاریخ فوت او را اینگونه آورده است:

لقد فوجی الدین فی نکیبة اطلت فروعت الخافقین
طوت آية الله فی خلقه ومن كان للحق انسان عین
اقول لتار یخه قل به فضی شرف الدین عبدالحسینی

(سال ۱۹۵۷ میلادی)

مدارک مقاله

در این مقاله علاوه بر مدارک زیر از فرزند محترم مترجم و بعضی از بستگان ایشان نیز استفاده کرده ایم:

.....
۱- الترغیب والترهیب ج ۱ / ۱۰۵.

- ۱ - کتاب المخازن ج ۱ از علامه سید عباس حسینی کاشانی
- ۲ - شعراء الغری ج ۳ ص ۳۷۲، ج ۸ ص ۴۸۵
- ۳ - معجم رجال الفكر و الادب فی النجف خلال الف عام / ۲۴۷
- ۴ - مصفی المقال / ۲۲۱
- ۵ - اختران تابناک ج ۱ / ۲۵۶
- ۶ - حیاة الامام شریف الدین فی سطور، شیخ احمد قیسی
- ۷ - مقدمه النص و الاجتهاد از سید محمد صادق صدر
- ۸ - مقدمه المراجعات از شیخ مرتضی آل یاسین
- ۹ - شرف الدین از استاد محمد رضا حکیمی (نویسنده از این کتاب استفاده بسیار کرده است)

- ۱۰ - مقدمه مناظرات
- ۱۱ - زندگانی حضرت آیت الله چهارسوقی / ۲۱۰ - ۲۱۸
- ۱۲ - علماء معاصرین
- ۱۳ - ریحانة الادب ج ۲ و ۳ حرف ش / ۱۹۴
- ۱۴ - جزوه الامام المجاهد عبدالحسین شرف الدین از حرکت امل
- ۱۵ - مقدمه مباحث عمیقی در جهت و حدت اسلامی
- ۱۶ - نقیاء البشر ج ۳ / ۱۰۸۵
- ۱۷ - مقدمه مؤلفوا الشیعة فی صدر الاسلام از استاد سید احمد حسینی اشکوری
- ۱۸ - معجم المؤلفین ج ۵ / ۸۷
- ۱۹ - مجلة العرفان ش ۴۵ ص ۴۶۶ - ۴۸۰
- ۲۰ - یکصد ساله مبارزه روحانیت مرفی ج ۱ / ۲۳۴
- ۲۱ - اندیشه اصلاحی در نهضت‌های اسلامی از محمد جواد صاحبی ۲۱۸
- ۲۲ - مؤلفین کتب چاپی ج ۲ / ۷۳۵
- ۲۳ - تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ج ۱ / ۲۹۶ از سید مصلح الدین مهدوی
- ۲۴ - گنجینه یا کشکول سیاح ج ۱ / ۶۸
- ۲۵ - مجله پیام انقلاب ش ۱۴ و ۱۵.

توضیحی درباره مقاله نجوم امت شماره قبل

از آنجاکه در نظر داشتیم به مناسبت چهل‌م حضرت امام (رضوان الله علیه) شرح حال معظم له را بیاوریم لذا در اثر ضیق وقت در تهیه این شرح حال اندکی شتاب کردیم به این جهت آن طوری که می‌خواستیم در خور حضرت امام (قده) باشد میسر نگردید، امیدواریم که اهل نظر با بزرگواری نقیاش آن را تذکر دهند، در ضمن مطالب زیر تذکر داده می‌شود:

۱- خوابی که از حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی در ص ۱۳۸ مجله نقل شده مستند به خبرنامه فرهنگی اجتماعی شماره ۶۲ سازمان تبلیغات اسلامی بود که از طرف دفتر معظم له تکذیب گردید، البته خود آن خبرنامه هم در شماره بعدی این تکذیب را آورد.

۲- در مورد شاگردان حضرت امام اسامی عده‌ای از بزرگان و شاگردان ایشان در اثر عدم اطلاع ما، آورده نشده است، امیدواریم در صورت امکان در شماره‌های آینده اسامی این عزیزان را بیاوریم.

۳- در شرح حال مرحوم حاج آقا مصطفی خمینی (ره) شهادت ایشان دی ماه ۱۳۶۵ آورده شده که آبانماه ۱۳۵۶ صحیح است.

و در ص ۸۸ وفات آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی ۱۳۳۷ ذکر شده که ۱۳۶۵ صحیح است.



بقیه از صفحه ۲۱۴

ناگفته‌نماند که تازه‌ترین چاپ کفایة الاصول توسط مؤسسه "آل البيت لاحیاء التراث" انجام گرفته که محسنات آن در مقدمه کتاب و همچنین در "نشر دانش" سال نهم، ش ۳، مقاله آقای محمدعلی مهدوی راد/ ۳۵ تشریح شده است. طالبان رجوع فرمایند.